

خوانش هیروگلیف کلان شهر مدرن تهران بر اساس عوامل برساننده منظر ذهنی

نمونه موردی: واكوی منظر ساخته شده از تهران در ذهن رانندگان تاکسی های خطی^۱

نازیلا رشیدپور^۲

سیدمحسن حبیبی (زنده یاد)

استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

منوچهر طیبیان^۳

استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

دریافت: ۲۴ فروردین ۱۴۰۰

پذیرش: ۱۵ فروردین ۱۴۰۱

(صفحه ۱۰۱ - ۸۵)

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول است با عنوان تبیین هیروگلیف کلان شهر مدرن تهران با تأکید بر قرائت، تجربه و خاطره که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین به راهنمایی نگارنده دوم (زنده یاد) و مشاوره نگارنده سوم در شهریورماه ۱۳۹۸ دفاع شده است.

۲. دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین
nazila.rashidpour@gmail

۳. نویسنده مسئول
tabibian@ut.ac.ir com

۴. ایتالو کالوینو، شهرهای ناپیدا، ص ۸۷.

خاطره از شهر را مختل کرده است. از دیدگاه گفتمان چپ شناخت واقعیت شهرها منوط به رمزگشایی این تصاویر معنا دار ذهنی است که نیاز به روش های شناختی فراتر از روش های اثبات گرایانه دارد. از این دیدگاه خواندن آنچه هرگز نوشته نشده است با بازخوانی تجربه و فهم منظر ذهنی عموم از شهری که در آن ساکن هستند می تواند در نمایش واقعیات مغفول مانده ای، که کلان شهر، مدرنیته، و اقتصاد سرمایه داری مسبب آن هستند، مفید گردد. در این پژوهش با فرض شهر به مثابه متن برای خوانش هیروگلیف کلان شهر مدرن تهران بر اساس عوامل برساننده منظر ذهنی از روش تحلیل محتوای کیفی و کمی استفاده شد و برای مطالعه انضمامی شهر

شهر، مدرنیته، و اقتصاد سرمایه داری سه گانه جدایی ناپذیری هستند که بررسی هر یک به تنهایی امکان پذیر نیست. کلان شهر تحت سلطه مدرنیته، قدرت، و هژمونی سرمایه داری به فضایی کدگذاری شده از محتوا و معنی تبدیل شده است که با زبانی رمز آلود خوداگاه و به صورت مستمر بر ساکنان تأثیر می گذارد و با تولید گونه کلان شهری متناسب با اضطرار و پیچیدگی موجود، موجب از خودبیگانگی پیش رونده انسان مدرن از محیط و حتی از خود شده است؛ تجربه گسسته و تجزیه شده ای را از زمان و مکان باعث شده که فرایند شکل گیری تصویر ذهنی و

کلیدواژگان: هیروگلیف، کلان شهر مدرن، خوانش، منظر ذهنی.

هیچ کس بهتر از تو، ای قوبلای خان خردمند، نمی داند که هرگز نباید شهر را با آنچه در مورد آن گفته می شود، اشتباه گرفت. اما میان این و آن همواره رابطه ای وجود دارد.^۴

چکیده



پرسش‌های تحقیق

– خوانش هیروگلیف کلان‌شهر مدرن تهران و بازنمایی خصوصیات مدرنیته آن بر اساس عوامل برسازنده منظر ذهنی رانندگان تاکسی‌های خطی حاوی چه پیام‌هایی است؟

۵. نک: گئورگ زیمل، «کلان‌شهر و حیات ذهنی».

6. D. Frisby, "The Metropolis as Text", p. 15.

7. N. Leach, "Erasing the Traces. The 'Denazification' of Post-revolutionary Berlin and Bucharest", p. 2.

۸. شهر زمانی به چیزی بیش از خودش، به ایژه تفکر نظری یا خلاقیت هنری بدل می‌شود که پیشتر به مکانی بیش از یک سکونتگاه صرف بدل شده باشد. شهر بعد از دستیابی به مازاد فراتر از سکونتگاه است که به معنای مدرن کاراکنر می‌یابد و می‌توان در مورد آن مستقل سخن گفت.

9. Frisby, p. 15.

۱۰. لیچ کتاب هیروگلیف کلان‌شهر مدرن و منل کتاب شهرها و سینما را عمدتاً بر پایه نظرات مارکس، کراکوئر، بنیامین، و زیمل نوشته‌اند. فریبری شارح برجسته زیمل است. گیلوخ شارح برجسته بنیامین است که در کتاب اسطوره و کلان‌شهر که در این مقاله از آن استفاده شده است به بررسی نظرات بنیامین در مورد شهر می‌پردازد. سایر نظریه‌پردازانی که نام آنها در این مقاله تکرار شده است، عمدتاً وابسته به مطالعات فرهنگی و مکتب انتقادی هستند.

از طریق روایت‌های غیررسمی و برای درک پیام‌های دریافتی، خوانش شهر بر اساس منظر ذهنی رانندگان تاکسی صورت پذیرفت. با توجه به یافته‌ها می‌توان ادعا کرد که در تحلیل روایت غیررسمی تهران از منظر ذهنی رانندگان تاکسی، محتوای غالب و هدفمندی در بازنمایی‌های طرح‌شده شناسایی نشد. تهران تسلیم زبان ناخوانا، گسسته، و تکه‌تکه مدرنیته شده و با تربیت گونه کلان‌شهری بی‌تفاوت و دل‌زده متناسب با سرعت و اضطراب جاری در شهر از قید هویت آزاد شده است. حس توأمان عشق و نفرت نسبت به مدرنیته در تهران نیز بروز کرده، بعد تخریبی نوآورانه مدرنیته ناپایداری تجربه را تشدید کرده، و این ناپایداری حافظه شهر را از معنا تهی و خوانش در زمانی شهر را دچار اختلال کرده است.

مقدمه

شهر، مدرنیته، و اقتصاد سرمایه‌داری سه‌گانه جدایی‌ناپذیری هستند که بررسی هریک به تنهایی امکان‌پذیر نیست. کلان‌شهر مکانی است که در آن فرهنگ مدرن و سرمایه‌داری در عمیق‌ترین و کامل‌ترین شکل آشکار و کلان‌شهر تحت تأثیر آنها به جایی تبدیل می‌شود که در آن کنش‌ها و رخدادها، به شکل جدی و غیرمنتظره، بر فرد فرد ساکنان هجمه می‌برند و تأثیرات و تأثرات ناپایدار و در حال تغییری را بر افراد بر جای می‌گذارد.^۵ حداقل از اواسط قرن ۱۹ کلان‌شهر مکان حیاتی مدرنیته و نتیجه تغییرات کیفی و کمی آن قلمداد و بررسی شده است؛ تصور یک شهر، خیابان‌هایش، معماری‌اش، و جمعیتش همانند یک متن در شکل‌های مختلف در آثار بسیاری از نویسندگان از اواخر قرن ۱۹ قابل پیگیری است.^۶ در این دیدگاه موجودیت کلان‌شهر مدرن از کنار هم قرارگیری شبکه حمل‌ونقل، ساختمان، پارک و رودخانه، و ... فراتر رفته^۷ است^۸ و به‌مثابه متن، ترکیبی از گفتمان‌های ادبی و هنری، گفتمان اقتصاد سیاسی، و گفتمان قدرت می‌شود که صاحب‌نظران این سه هریک از منظر خود با ساکنان این کالبد سخن می‌گویند.

اگر شهر همانند یک متن تصور شود، می‌توان ویژگی‌های متن — زبان و خواننده — را به شهر نیز تعمیم داد. زبان در بنیادی‌ترین شکل ممکن یک نظام هیروگلیف فرض می‌شود که دارای محتوای آشکار و پنهان است. نوشتن درباره شهر، از همان اولین تلاش‌های نظری یا صرفاً تحلیلی، عمدتاً به نحوی با سنت

می‌گوید هرچند درنهایت خوانش اول را بر روی خوانش دوم قرار می‌دهد، اما حداقل زمینه‌های برتری دادن به خوانش اول را ثابت می‌کند و از ابتدا بدیهی نمی‌پندارد. اگر شهر یک متن است باید، همانند متن‌های دیگر، کسانی آن را بخوانند که سعی در خلق، شکل‌دهی، و تغییر شکل آن را دارند. خواننده شدن شهر از سوی این افراد مسلماً بر نوشتن متن شهری توسط آن‌ها نیز تأثیرگذار است.^{۱۷}

باید در نظر داشت که کلان‌شهر ترکیبی از موضوعات تولید فرهنگی و به‌مثابه فضایی مملو از محتوا و معنی است که با دیدگاه صرفاً اثباتی (پوزیتیویستی) نمی‌توان آن را شناسایی و بازنمایی کرد. برای دستیابی به شناخت کامل از شهر و ریشه‌های واقعیات اجتماعی آن، تبیین هیروگلیف کلان‌شهر مدرن بسیار ضروری است.^{۱۸} فهم تصور ذهنی عموم از شهری که در آن ساکن هستند می‌تواند در تبیین هیروگلیف و نمایش واقعیات مغفول‌مانده‌ای که کلان‌شهر، مدرنیته، و اقتصاد سرمایه‌داری مسبب آن هستند مفید واقع شود. واقعیتی که آگاهانه شکل گرفته است و در نقشه‌ها و کتاب‌های راهنما پیدا می‌شود و ابداعات تصادفی — شکل‌های ظاهری ساختمان‌ها، درختان، و اشکالی — که افراد با آن مواجه می‌شوند، هر دو به روش‌های متفاوتی به دانش ما از شهر کمک می‌کنند،^{۱۹} اگرچه به نظر می‌رسد تنها نوع دوم به آشکار شدن «پایه‌های واقعیات اجتماعی» می‌انجامد. این دانش به‌طور مستقیم قابل دسترس نیست و تنها به‌واسطه تصاویر ذهنی قابل حصول است. شناخت شهرها منوط به رمزگشایی تصاویر معنادار رؤیای‌گونه‌شان است.^{۲۰} آنچه در سطح ظاهری دیده می‌شود، همان‌گونه که بسیاری از نظریه‌پردازان فرهنگ‌گرا با «گرایش‌های مارکسیستی» طرح می‌کنند، محصول نیروهای زیرساختی عمیق‌تری است که به‌منظور درک این نیروها نیازی مبرم به تفسیر سطح ظاهری است. نمودهای سطحی به‌دلیل ماهیت ناخودآگاهشان، دسترسی بدون واسطه‌ای را به «چی‌ها»، آن‌گونه که «درخود»

مارکسیستی یا جامعه‌شناسی مارکسیستی گره خورده است. اگرچه مارکس زمان بسیار کوتاهی برای تحلیل کلان‌شهر مدرن صرف کرد، اما خصوصیات مدرنیته‌ای که او خطوط کلی آن را ترسیم کرده با خوانش شهر همانند یک متن بسیار مرتبط است.^۹ از زیمل و بنیامین تا کراکوئر و گیلوخ همگی در دل سنت موسوم به فلسفه یا جامعه‌شناسی مارکسیستی^{۱۰} به نحوی نسبت به تجربه متروپل حساسیت نشان داده‌اند.^{۱۱} در این دیدگاه زبان کلان‌شهر مدرن تحت سلطه مدرنیته و هژمونی سرمایه‌داری به زبان اطلاعات پی‌درپی تبدیل می‌شود و بر خودآگاه ساکنان به‌صورت مستمر تأثیر می‌گذارد. تخریب نوآورانه دایمی، فروپاشی و تجدید حیات مستمر، ارسال انبوهی از کدهای اطلاعاتی، درگیری خودآگاه ذهن شهروند با محیط‌های کالایی‌شده، و درنهایت از خودبیگانگی پیش‌رونده انسان مدرن از محیط و حتی از خود باعث تجربه گسسته و تجزیه‌شده‌ای از زمان و مکان می‌شود و فرایند شکل‌گیری تصویر ذهنی و خاطره از شهر را مختل می‌کند.

شهر همانند متن مستلزم خواننده یا خوانندگان است. اگرچه از زمان بودلر خواننده غالباً در شکل یک فلانور قابل‌شناسایی است، اما باید اذعان کرد که خوانش تا اندازه‌ای بر پایه میزان دسترسی به متن (روابط قدرت در شهر) و کاملاً با توجه به جنسیت، طبقه اجتماعی، نژاد، و سن لایه‌لایه و طبقه‌طبقه است.^{۱۲} در دیدگاه گفتمان چپ شهر به‌مثابه متن، به‌مانند جهان زبانی، همانند متن رازآلود، برای خواننده شدن نیاز به نوع خاصی از خواننده زندگی کلان‌شهری مدرن می‌یابد که «بخواند آنچه را که هرگز نوشته نشده است»^{۱۳، ۱۴} از نظر بارت برای دستیابی به شناخت شهر، علاوه بر اینکه خواننده باید مهارت مشخص در نشانه‌شناسی داشته باشد، خوانش شهر نیز باید با طیف متفاوتی از خوانندگان انجام شود.^{۱۵} لازم است برای فهم شهر میان خوانش هدفمند متخصصین شهری و خوانش تصادفی و عامیانه مردم ساکن تمایز قائل شد. تمایزی که دوسرتو^{۱۶}

۱۱. باربارا منل، *شهرها و سینما*، ص ۵۲.
12. Frisby, *ibid*.

۱۳. همانند آنچه بنیامین در *خیابان یک‌طرفه*، *خاطرات مسکو*، *دوران کودکی در برلین ۱۹۲۰*، *وقایع‌نامه برلین*، و به‌ویژه در «پاریس، پایتخت قرن ۱۹» انجام داد و با بررسی بین‌متنی و چندبعدی خوانندگان متن‌هایش را برای خواندن شبکه پیچ‌درپیچ دنیای پدیداری کلان‌شهر آماده کرد (Frisby, *ibid*, p. 18).

14. G. Gilloch, *Myth & Metropolis: Walter Benjamin & the City*, p. 181.

15. R. Barthes, "Semiology and the Urban", p. 172.

16. De Certeau

17. Frisby, *ibid*, pp. 18-19.

18. Leach, *ibid*, pp. 1-2.

۱۹. هر ساختمانی در هر نقطه‌ای از دنیا فرمی به‌شدت بازنمایی‌کننده است و چیزهایی را فراتر از مصالح کلی خودش بازنمایی می‌کند، که هم خوانش اجتماعی و هم خوانش زیباشناسانه دقیق آن می‌تواند این بعد بازنمایی‌کننده موجود در معماری را آشکار کند و به فهم و درک مناسبات تولید، مناسبات اجتماعی، و اقتصادی یاری رساند (مازیار اسلامی، *صحنه‌هایی از یک ازدواج: ملاحظاتی درباره فضا و شهر در سینما*، ص ۹۰).

20. Frisby, *ibid*, pp. 17-18.

می‌کند، به‌مثابه فرایند عقلانی‌سازی و به‌مثابه فروپاشی طبقه‌بندی اولیه زمان، مکان، علیت، و تجربه در کلان‌شهر حلول می‌کند.^{۲۶} کلان‌شهر در مقام عینیت مدرنیته انباشته از تناقض‌ها و وضعیت‌های متعارض است: انباشته از شکوه توان و پویایی مدرن و درعین‌حال آثار تخریبی فروپاشی و نهیلیسم مدرن.^{۲۷} در مفهوم هیروگلیف به‌منزله سومین کلیدواژه تعیین‌کننده نیز نوعی دوگانگی وجود دارد، به این معنا که هم زبانی است آنی و تصویری — خط تصویری که در آن به جای نوشتن اسم اشیا، تصویر آنها کشیده می‌شود — و هم زبانی است که در سیستم معنایی حالت رمزگونه دارد.^{۲۸}

از دیدگاه گفتمان چپ، کلان‌شهر به‌مثابه تولید فرهنگی مدرنیته و اقتصاد سرمایه‌داری آکنده از محتوا و معنای رمزگذاری‌شده برای انتقال معانی مرجح، فضایی فراتر از ترکیب اجزای کالبدی است که برای شناخته شدن همانند یک متن نیاز به رمزگشایی دارد. تبیین هیروگلیف و توجه به رمزگشایی نموده‌های سطحی اقدامی است برای فهم معنای کلان‌شهر مدرن که از فرط معنایی ساخته‌شده و عجز درک آن بی‌معنی و تهی جلوه می‌کند.^{۲۹}

۲.۱. بررسی نقش خوانش در تبیین هیروگلیف کلان‌شهر مدرن

شناخت کلان‌شهر و رمزگشایی از آن با توجه به ویژگی‌های خاص کلان‌شهر مدرن، فراتر از روش‌های پوزیتیویستی و اثبات‌گرایانه، نیازمند بهره‌گیری از روش‌های نشانه‌شناسانه و پدیدارشناسانه است که بتواند علاوه بر رمزگشایی از سطوح شهودی، نیروهای زیرساختی عمیق‌تر را نیز، که علت اصلی شکل‌گیری نموده‌های ظاهری است، شناسایی کند. در حالت کلی برای شناخت شهر و رمزگشایی آن دو مدل مفروض است: خوانش و تجربه. الگوی اول، خوانش شهر به‌طور کلی یک مدل نشانه‌شناختی است که قرائت روانکاوانه را نیز در بر می‌گیرد.^{۳۰}

هستند، فراهم می‌آورند. درواقع، دانش ما نسبت به بازنمایی اشیا وابسته به تفسیر این نموده‌های سطحی‌شان است. ماهیت ناخودآگاه نموده‌های سطحی منطق پنهان پشت این پدیده‌ها را آشکار می‌کند.^{۳۱} این گفته به نظریه «لغزش زبانی»^{۳۲} فروید اشاره دارد که معتقد است ماهیت ناخودآگاه نموده‌های سطحی منطق پنهان پشت این پدیده‌ها را آشکار می‌کند یا درست مانند آنچه در نظریه «ناخودآگاه بصری»^{۳۳} والتر بنیامین طرح شده است، که رازهای برانگیزنده یک عکس با جزئیات حاشیه‌ای آن افشا می‌شود، ماهیت ناخودآگاه نموده‌های سطحی نیز بی‌درنگ به فهم چیزها، آن‌گونه که «درخود» هستند، منجر می‌شود.^{۳۴}

در این مقاله با فرض دانستن شهر همچون متن و با هدف خوانش هیروگلیف کلان‌شهر مدرن تهران و بازنمایی خصوصیات مدرنیته آن، به خوانش شهر بر اساس عوامل برساننده منظر ذهنی^{۳۵} پرداخته شده و روایت غیررسمی رانندگان تاکسی‌های خطی مبنای این خوانش است. فهم خصوصیات شهر تهران، به‌مثابه نماد تجسد مدرنیته ایرانی، است که سرعت تغییر و تحولات و رواج ارزش‌های مصرفی در آن بسیار بیشتر از شهرهای دیگر است و تفسیر و بازنمایی خصوصیات مدرنیته آن می‌تواند راهگشای فهم زبان کلان‌شهر مدرن ایرانی باشد. باید در نظر داشت که به تعداد آدم‌هایی که حتی یک بار نام تهران را شنیده‌اند شهر تهران وجود دارد؛ شهرهایی صرفاً در نام تهران مشترکند و نه در مفهوم آن، که همین امر امکان بازنمایی کلیت‌نگر از تهران و هر شهر دیگری را غیرممکن می‌کند.

۱. چارچوب نظری

۱.۱. مبانی تبیین هیروگلیف کلان‌شهر مدرن

مدرنیته و کلان‌شهر مفاهیمی هستند درهم‌تنیده که بدون یکدیگر معنایی ندارند و برای فهم هر کدام به شناخت آن دیگری نیاز است. مدرنیته، همان‌گونه که فریژی نیز اشاره

21. Leach, ibid.

22. slip of tongue

در اینجا منظور قرائت اکتشافی از آثار و نشانه‌های باقی‌مانده است. به‌طوری‌که می‌توان داستان‌های بزرگ‌تر را از این نکات یا ردیاب‌های به‌جامانده استنباط کرد.

23. optical unconscious

۲۴. نازیلا رشیدیپور و سیدمحسن حبیبی، «کاوش در تبیین هیروگلیف کلان‌شهر مدرن»، ص ۴۰.

25. urban mindscape

26. Frisby, ibid, p. 19.

27. Leach, ibid, p. 1.

28. Frisby, ibid, p. 18.

29. Ibid.

30. Leach, ibid, p. 2.

31. Ibid, p. 3.

۳۲. این مسئله همانند ۲۶ نقاشی مونت از قلعه روئن است. در هریک از این نقاشی‌ها به‌تنهایی سعی شده قلعه روئن نمایانده شود و درواقع حقیقت قلعه روئن در ۲۶ نوع مختلف بازنمایی شده است.

33. spatial image

34. Leach, ibid, p. 1.

35. urban imaginary

36. Ibid, p. 4.

ت ۱. معرفی عناصر برسانندهٔ منظر ذهنی شهر بر اساس آراء نظریه‌پردازان، مأخذ: رشیدپور، تبیین هیروگلیف کلان‌شهر مدرن تهران با تأکید بر قرائت، تجربه و خاطره، ص ۶۲-۶۸

۳.۱. بررسی نقش تصور و منظر ذهنی شهر در خوانش کلان‌شهر مدرن

منظر ذهنی و تصورات شهری، به‌مثابهٔ ساختاری برای اندیشیدن به شهر، چون عینکی بر چشم شناسندهٔ شهری، در نحوهٔ تجربهٔ شهر اثر می‌گذارد، از این رو برای رمزگشایی و تبیین هیروگلیف شهر، همان‌گونه که کراکوتر در سیمای فضایی می‌گوید،

الگوی دوم، تجربهٔ بیشتر پدیدارشناختی است. فهم کلان‌شهر فقط در پاسخ به این سؤال که «چگونه ما کلان‌شهر را مشاهده می‌کنیم؟» نهفته نیست و باید این سؤال که «چه کسی در حال مشاهدهٔ آن است؟» نیز در نظر گرفته شود.^{۳۱} یعنی همانند آنچه ایتالو کالوینو در شهرهای ناپیدا/ طرح کرده ممکن است معنای مختلفی از یک شهر بیان شود. هر شهری همواره باید پذیرای تفاسیر متنوع از خودش باشد و معنا همیشه باید متکثر و منازعه‌آمیز باقی بماند.^{۳۲}

کلان‌شهر به‌طور مشخص بازنمایی تصویر ذهنی عموم از مکان مدرنیته است. فهم کلان‌شهر تا حدی فهم عصر معاصرمان است. فهم تصویر ذهنی عموم از شهری که در آن ساکن هستند می‌تواند در نمایش واقعیات مغفول‌ماندهٔ اجتماعی مؤثر باشد. این تصویر ذهنی یا «سیمای فضایی»^{۳۳}، همان‌گونه که زیگفريد کراکوتر نظریه‌پرداز فرهنگ‌گرای آلمانی طرح می‌کند

حاکمی از رؤیاهای یک جامعه است، هرچا که هیروگلیف این سیمای فضایی رمزگشایی شود، آنجاست که ریشه‌های واقعیات اجتماعی خودشان را نشان می‌دهند.^{۳۴}

از دیدگاه گفتمان چپ «تصورات شهری»^{۳۵}، که منظر ذهنی یکی از نمودهای آن است، در واقع می‌تواند افشاگر آرزوهای آرمان‌شهری و تمایلات پنهان‌شده نیز باشند. یکی از روش‌های درک نحوهٔ ساخته شدن تصویر ذهنی خوانش محیط است. خواندن محیط به معنی فهم پیام‌های ارسالی و دریافتی است، اینکه بدانیم چگونه یک محیط برای افراد مختلف معانی گوناگون یا شاید همسان تولید می‌کند. شهر یک گفتمان است و این گفتمان واقعاً همانند زبان است. شهر با ساکنانش حرف می‌زند. ما با شهر حرف می‌زنیم. شهر جایی است که ما هستیم، به‌سادگی با زندگی کردن در داخل آن، با پرسه زدن در آن، و با نگاه کردن به آن.^{۳۶}



افراد را از طریق کنترل فرایندهای شکل‌گیری گفتمان‌های ایدئولوژیک در جامعه کنترل کنند. حداقل دو نوع رویکرد متفاوت به رابطه سوژه و قدرت در تحلیل چگونگی شکل‌گیری ذهنیت وجود دارد: رویکرد التوسری: رویکردی که معتقد است ذهنیت سوژه‌ها به نحوی موفق توسط گروه‌های قدرتمند جامعه شکل می‌گیرد و رویکرد گرامشی: رویکردی که به سوژه‌ها امکان مقاومت در برابر معانی مرجع گفتمان‌های حاکم را می‌دهد.^{۴۳} باید توجه داشت درحالی‌که همگان در انتهای مسیر دریافت پیام، نشانه‌ها، و نمادها قرار دارند، افراد اندکی به‌راستی در شکل‌دهی و پراکندن آن‌ها دخیلند که می‌توانند با دست‌کاری این پیام‌ها، شکل جدیدی از ادراک و آگاهی و تجربه از موضوعی واحد را رقم بزنند.^{۴۴} حتی گاهی ممکن است میان روایت‌های «رسمی» شهری که سیاست‌گذاران می‌پروراند با «روایت‌های شخصی» که مردم محلی برجسته کرده‌اند تناقضاتی وجود داشته^{۴۵} باشد.^{۴۶}

۴.۱. تبیین مظاهر پنهان کلان‌شهر مدرن در فرایند خوانش شهر

بر اساس آموزه‌های زیمل^{۴۷}، می‌توان نتیجه گرفت در هر شهری شهروندان متناسب با اضطرار و میزان تنش جاری در اضطرار آن شهر تربیت می‌شوند. در نتیجه میزان انتزاع آدم‌ها متناسب با حیات ذهنی شهری که در آن می‌زیند فرق می‌کند.^{۴۸} این فرایند ذاتی و درونی حیات ذهنی شهر است، یعنی یک جور قابلیت شرطی‌سازی و تربیت کردن و آموزش دادن شهروند برای تحمل اضطراری که حاصل فرّار بودن، سرعت، و ضرب‌آهنگ موجود در حیات ذهنی شهر است. این اضطرار آن قدر نیرومند و فراگیر است که ذره‌ای مقاومت در برابر فرایند شرطی‌سازی آن و امتناع از ادغام شدن در آن، حتی به لحاظ فیزیکی هم ناممکن است، چه برسد زندگی به معنای فرهنگی، عقیدتی، و ایدئولوژیک.^{۴۹} به‌همین دلیل شهر به شهروندانی نیاز دارد که به لحاظ حسانی^{۵۰}

خوانش منظر ذهنی و تصورات شهری اهمیت می‌یابد. در اصل منظر ذهنی یکی از نمودهای تصورات شهری تلقی می‌شود، با این تفاوت که در تصور شهری بیشتر بر آرزو، رؤیا، و قوه تخیل تأکید می‌شود.^{۳۷} ماگورو مارویاما مبدع اصطلاح منظر ذهنی این واژه را به‌سان جهان‌بینی مؤثر فرد یا اجتماع این‌چنین تعریف می‌کند: ساختاری از استدلال، شناخت، درک، و مفهوم‌پردازی. منظر ذهنی شهر ساختاری برای اندیشیدن به شهر است و به چیزی اشاره می‌کند که میان چشم‌انداز فیزیکی شهر و ادراکات دیداری و فرهنگی مردم از آن وجود دارد.^{۳۸} بدین ترتیب، منظر ذهنی شهر را می‌توان همانند (بانک تصاویر ذهنی^{۳۹}) شهری تجسم کرد که متشکل از انگاره‌های بومی و خارجی است.^{۴۰} هدف از بحث در مورد تصورات شهری، تشخیص ابعاد غیرمادی و نمادین و روان‌شناختی در شکل‌گیری شهرهاست. هیچ‌گاه نمی‌توان یک فضا را به شکل تهی به‌مثابه واقعیتی محض، همان‌سان که بود، تجربه کرد.^{۴۱} برای درک یک شهر همان اندازه که مطالعه منظر فیزیکی شهر اهمیت دارد، مطالعه منظره ذهنی — منظر روح و فرهنگ‌های شهر — نیز مهم است.^{۴۲} عوامل متعددی در ساخته شدن این مناظر ذهنی نقش دارند که در نمودار «ت ۱» به آن اشاره شده است.

۱.۳.۱. تبیین نقش قدرت در تکوین منظر ذهنی

اهمیت بررسی منظر ذهنی در گفتمان چپ در مؤثر بودن قدرت در تکوین ذهنیت و شکل‌گیری تجربه جمعی است. در دیدگاه گفتمان چپ هژمونی مسلط کلان‌شهر، سرمایه‌داری، و مدرنیته می‌کوشد تا فرایند معناسازی و شکل‌گیری ذهنیت افراد را در جامعه کنترل کند. از این‌رو توجه به نحوه تکوین ذهنیت سوژه توسط قدرت حاکم در نحوه خوانش شهر و دستیابی به واقعیات پنهان نیز بسیار مهم است. بر اساس نظریه بازتولید که ناظر بر مسئله معنا و تکوین ذهنیت افراد است، گروه‌های قدرتمند جامعه می‌کوشند تا فرایند معناسازی و شکل‌گیری ذهنیت

۳۷. فرانکو بیانچینی و همکاران، منظر ذهنی شهر: مفاهیم، بازنمایی‌های فرهنگی و کاربست‌های سیاست‌گذارانه، ص ۱۷-۱۹.
۳۸. نک:

Magoroh Maruyama, "Mindscape and Science Theories".
39. image bank
40. Franco Bianchini, "European Urban Mindscape: Concepts, Cultural Representations and Policy", pp. 14-15.

۴۱. بیانچینی و همکاران، همان، ص ۵۴.
42. G. Amendola, "La Citaa Postmoderna, Rome and Bari: Laterza in Bianchini, Franco, European Urban Mindscape", p. 17.

۴۳. تقی آزاد ارمکی و محمد رضایی، «سوژه و قدرت: تحلیل چگونگی شکل‌گیری ذهنیت در مطالعات فرهنگی»، ص ۱۲۵-۱۲۶.

۴۴. بیانچینی، همان، ص ۷۷.
۴۵. هاگ ادانل، «شهر سلطنتی در تلویزیون: پوشش تلویزیونی وقایع رسانه‌ای سلطنتی»، ص ۲۶۰.

۴۶. «روایت‌های رسمی تلاش می‌کنند طی برگزاری مراسم‌ها، با نمایش بناهای کهن (مانند کلیساها، قصرها، و ساختمان‌های قدیمی) و همچنین حذف دقیق نمادها و محل‌های نامناسب شهرها را به فضای جادویی بدل کنند» (همان). بازشکل‌دهی تصویر از شهر و ایجاد اسطوره‌های جدید برای شهر توسط قدرت تجربه‌ای است که برای اثبات برتری زبان قدرت بر قدرت زبان بارها در جای‌جای دنیا به آن پرداخته شده است.

۴۷. نک: زمیل، همان.

۴۸. تجربه یک روز زندگی در حیات شهری توکیو باید تحمل‌ناشدنی‌ترین تجربه شهری باشد برای یک تازه‌وارد درگیر البته نه مقام توریست؛ زیرا شهر این قابلیت را دارد که به شکلی موقت نیازهای افراد در مقام توریست را سامان‌دهی کند. اما به‌مثابه یک تجربه روزمره برای کسی که درگیر شتاب و ضرب‌آهنگ موجود در این شهرها نیست می‌تواند مخوف‌ترین تجربه شهری باشد که از سر گذرانده است (اسلامی، همان، ص ۱۶۲). مقیاس کوچک‌تر چنین احساسی در حضور یک فرد روستایی در شهر تهران نیز مشهود است.

۴۹. همان، ص ۱۶۲-۱۶۳.

۵۰. اتکا فقط به حس و تجربه

۵۱. همان، ص ۱۶۵.

۵۲. انتزاعی و انضمامی دو مفهوم متقابل در فلسفه هستند. انتزاعی در اصل به معنای امر جداشده، گسسته، و مجرد است و در مقابل انضمامی به معنای پیوستگی، چسبندگی، و گرد هم آمدن قرار دارد. وقتی تجربه انتزاعی می‌شود، چون جدا از زمینه است، امکان انتقال و تبدیل به تجربه جمعی را از دست می‌دهد.

انی نمی‌تواند در شکل تجربه تبادل‌پذیر و انباشت‌پذیر عرضه شود و در چنین وضعیتی دیگر نمی‌توان بر تجربه مدرن تأمل و آن را نقد کرد.^{۴۶} بنابراین پروبلماتیک اساسی در زندگی روزمره ناتوانی و کمرق شدن آن در برابر انتقال تجارب است.

با توجه به آنچه پیش‌تر ذکر آن رفت، موارد ذیل را می‌توان مهم‌ترین مظاهر پنهان کلان‌شهر تحت تأثیر پارادایم مدرنیته و اقتصاد سرمایه‌داری دانست که گمان می‌رود در صورت تجلی در تهران در بازخوانی هیروگلیف شهر بر اساس منظر ذهنی اثرگذار باشد:

- تبدیل کلان‌شهر به مکان حس توأمان عشق و نفرت نسبت به مدرنیته و یکی از مهم‌ترین مظاهر وضعیت تناقض‌آمیز زندگی مدرن؛

- انتزاعی شدن تجربه، ازهم‌گسیختگی، و تکه‌تکه‌شدگی و ناپایداری آن؛

- شکل‌گیری گونه کلان‌شهری با ویژگی‌های ازخودبیگانه، بی‌تفاوت، دل‌زده، و بی‌اعتنا؛

- شکل‌گیری حیات ذهنی به‌علت تحریکات عصبی و پیچیدگی‌های حسانی و عاطفی ناشی از پیشرفت روزافزون تکنولوژی، سرعت فزاینده اطلاعات، و تصادفی و زودگذر و ناپایدار بودن تجربه؛

- تخریب گذشته، حذف یا کمرنگ شدن کالبد معنادار، تهی شدن حافظه شهر از معنا و رهایی آن از قید هویت؛

- کاهش درگیری با شهر به‌معنای عقیدتی و فرهنگی، حسانی و فیزیکی، به‌علت اضطراب جاری در فضای شهر؛

- سرگردانی تجربه، افول خاطر؛

- پیشی گرفتن جنبه سلبی از ویژگی‌های ایجابی مدرنیته.

۲. روش تحقیق

در این پژوهش برای دستیابی به خوانش هیروگلیف کلان‌شهر مدرن تهران، بر اساس عوامل برساننده منظر ذهنی، با توجه به

و عاطفی از تربیتی پیچیده برخوردار باشند که بتوانند شوک‌آمیز بودن و نابهنگامی تجربه شهری را تاب بیاورند.^{۴۷} شوک‌آمیز بودن و نابهنگامی تجربه شهری یکی از علل پیچیدگی حسانی و عاطفی کلان‌شهر مدرن است که گونه انسان کلان‌شهری را با اضطراب جاری در شهر سازگار می‌کند و میزان انتزاع تجربه^{۴۸} امکان ادامه حیات شهروند در کلان‌شهر را میسر می‌کند. این میزان انتزاع تجربه در کلان‌شهرهایی که دارای ریتم، اضطراب، و سرعت زندگی مشابهی هستند تا حدودی یکسان است. زمیل در مقاله کلیدی خود^{۴۹} تحت تیتیر «گونه کلان‌شهری» به این موضوع می‌پردازد. در این مقاله او ازهم‌گسیختگی و تکه‌تکه‌شدگی را مفاهیم تبیینگر زندگی کلان‌شهری معرفی می‌کند که در آن کنش‌ها و رخدادها، به شکل جدی و غیرمنتظره، بر فرد فرد ساکنان هجمه می‌برند و از این رو ساکن کلان‌شهر، برای تاب‌آوری، صفات جدید کسب می‌کند. از دیدگاه زمیل

ازخودبیگانگی، بی‌تفاوتی عاطفی، دل‌زدگی، بی‌اعتنایی که ماحصل انگیزش‌های شدید روانی و پیچیدگی‌های حسانی و عاطفی کلان‌شهر مدرن است، از ویژگی‌های منحصربه‌فرد اجتماع تشکیل‌دهنده کلان‌شهر محسوب می‌شود.^{۵۰}

والتر بنیامین در مقاله خود^{۵۱} مهم‌ترین تحول رخ داده در زندگی روزمره در دوران جدید را سرگردانی «تجربه» می‌داند. او می‌گوید شاید در دوره جدید، به‌سبب اتفاقات متعدد و متنوع، بر تعداد تجربیات انسان‌ها افزوده شده باشد، اما این تجربه‌ها سرگردانند؛ زیرا نمی‌توانند درون معنای زندگی جای گیرند.

برخی از خصوصیات بارز این تجربه عبارتند از گسستگی و فشرده‌گی زمان و مکان، پارادوکس، جنب و جوش، ملال، شوک، جدایی درون و برون، تکثر نقش‌ها و چهره‌ها و نقاب‌ها.^{۵۲}

والتر بنیامین برای توضیح علل انتزاعی شدن تجربه، تجربه مدرن را به دو بخش تقسیم می‌کند: «یکی تجربه زنده و زیست‌شده یا تجربه آنی^{۵۳} و دیگری تجربه جمعی و انباشت‌پذیر^{۵۴}». از نظر بنیامین مسئله اصلی مدرنیته روزمره این است که تجربه

داده‌ها از ۲۰۰ پرسش‌نامه به شیوه‌دستی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار اکسل استخراج شد و با توجه به باز بودن سؤالات پرسش‌نامه و غیرمشابه و متفاوت بودن پاسخ‌ها، به‌منظور دستیابی به تصویر تجربی از تهران، بیشترین تعداد پاسخ مشترک تا دستیابی به فراوانی تجمیعی بیشتر از ۵۰٪ تحلیل شده است.

۳. یافته‌ها

همان‌گونه که پیشتر نیز به آن اشاره شد، فهم ویژگی‌های کلان‌شهر مدرن نیازمند فهم زبان رمزآلودی است که باید به‌واسطه‌ی تصاویر ذهنی رمزگشایی شود. در این مقاله پیام‌های دریافتی بر اساس منظرذهنی رانندگان تاکسی از کلان‌شهر تهران نگاشته شد که نتیجه‌ی کلی در ادامه می‌آید.

۳.۱. خوانش متن غیررسمی عرضه‌شده از تهران بر اساس نتایج پرسش‌نامه

تهران نام شخصیت‌های متفاوت زیادی را در حافظه‌اش ثبت کرده است که همین کثرت، اجماع بر نام واحدی را دشوار می‌کند؛ تاجایی که می‌توان ادعا کرد تهران در وهله‌ی اول از دیدگاه ساکنانش به شخصیت خاص تاریخی و ملی وابسته نیست. محمدرضاشاه پهلوی، آیت‌الله خامنه‌ای، و پروفیسور حسابی‌نام‌هایی هستند که با بیشترین تکرار همراه تهران یادآوری می‌شوند و درکل می‌توان گفت نام تهران بیشتر با شخصیت‌های سیاسی کشوری عجین شده است.

برج آزادی، برج میلاد، و بازار قدیمی تهران به‌ترتیب اجزایی هستند که، به ظن اهالی، نماینده‌ی کل تهران است و با استفاده از آنها می‌توان تهران را توصیف کرد، برج آزادی نمادی سیاسی است. برج میلاد بلندترین سازه‌ی شهر تهران است و بازار تهران، تاریخی که شهر به آن می‌بالد. از ظن مردم، برج آزادی و برج میلاد به‌ترتیب بناهایی هستند که می‌شود به‌واسطه‌ی

لزوم رسیدن از انضمام به انتزاع، از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی استفاده شده است. روش جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه‌ی بسته بر اساس پرسش‌نامه بود که، با توجه به تأکید جود بلومفیلد در مقاله‌اش^{۶۱} بر اهمیت دانش ویژه‌ی رانندگان تاکسی از شهر^{۶۲}، پرسش‌شوندگان از میان رانندگان تاکسی‌های خطی ساکن تهران با سابقه‌ی بیش از ۵ سال سکونت انتخاب شده‌اند. جامعه‌ی آماری پرسش‌شونده، علاوه بر اینکه خود یکی از عوامل برساننده‌ی منظر ذهنی شهر تلقی می‌شود، درعین‌حال انتظار می‌رود، به‌علت رویارویی مداوم با شهر و شهروندانش، تجربه‌ی زنده‌ی غنی‌تری از شهر داشته باشد. دلایل انتخاب تاکسی‌های خطی وجود مبدأ و مقصد مشخص، ایستگاه مکانی مشخص، تکراری بودن مسیر طی‌شده در سفرهای شهری، و تسلط راننده بر مسیر هستند. در انتخاب مکان پایانه و خطوط پایانه در کنار استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای، با توجه به کیفی بودن نوع مطالعه، از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدف‌دار نیز استفاده شده است. پایانه‌ها و خطوط به نحوی انتخاب شده‌اند که همه‌ی نقاط تهران پوشش داده شوند. در انتخاب پرسش‌شونده، با توجه به تجانس جامعه، از نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است. برای دستیابی به محتوای پنهان در تحلیل کیفی از سؤالات غیرمستقیمی چون ذکر رنگ معرف تهران، فیلم، ترانه یا داستان یادآور تهران، صفات تهران، و شخصیت معرف تهران استفاده شده و در بخش سؤالات مستقیم ویژگی‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی تهران مورد نظر بوده‌اند (جدول ۱).

روش تحقیق	تحلیل محتوای کیفی و کمی
روش جمع‌آوری داده‌ها	مصاحبه بسته بر اساس پرسش‌نامه با سؤالات باز
روش سنجش روایی و پایایی	مشاوره / آزمون مقدماتی
جامعه‌ی آماری	راننده‌های تاکسی‌های خطی در پایانه‌های شهر تهران
حجم نمونه	انتخاب ۲۷ پایانه* از ۴۶ پایانه موجود / ۲۰۰ خط از ۳۹۵ خط موجود** / راننده از هر خط

۵۳. نک: زمیل، همان.

۵۴. منل، همان، ص ۷۶.

۵۵. والتر بنیامین، «قصه‌گو؛ تاملاتی در آثار نیکلای لسکوف».

جدول ۱. تبیین فرایند تحقیق.
* منطقه ۱ (ارم، مینی‌سیتی)، منطقه ۲ (شهید نظری، میدان صنعت، سازمان آب)، منطقه ۳ (ونک)، منطقه ۴ (علم‌وصنعت، دردشت، رسالت)، منطقه ۵ (آزادی، فلکه دوم صادقیه)، منطقه ۶ (انقلاب)، منطقه ۷ (پل سیدخندان)، منطقه ۸ (رسالت)، منطقه ۹ (شمشیری)، منطقه ۱۱ (معین)، منطقه ۱۲ (امام خمینی^(۵)، شوش)، منطقه ۱۳ (کلاهدوز)، منطقه ۱۵ (ضلع شمال میدان بسیج، ضلع جنوب میدان بسیج)، منطقه ۱۶ (رضویه، سترک)، منطقه ۱۸ (نعمت‌آباد، سروری)، منطقه ۲۰ (زکریای رازی)، منطقه ۲۲ (چیتگر)، شایان ذکر است مناطق ۱۰، ۱۴، ۱۷، و ۲۱ فاقد پایانه تاکسی‌رانی خطی هستند؛ ازاین‌رو پایانه‌های ۱۸ منطقه شهرداری به نحوی انتخاب شدند که همه‌ی مناطق تهران پوشش داده شود.
** تعداد کل خطوط در ۲۷ پایانه تاکسی ۳۹۵ خط است که با توجه به رفت‌وبرگشتی بودن خطوط، ۱۹۷ خط متفاوت وجود دارد که سه خط یک‌طرفه نیز به حجم نمونه اضافه شده است.

جدول ۲. خوانش روایت غیررسمی عرضه‌شده از تهران بر اساس پیام‌های دریافتی مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی و کمی منظر ذهنی رانندگان تاکسی شهر تهران، تدوین: نگارندگان.

دود یا حداکثر کارت پستالی از تهران مهم‌ترین سوغات این شهر محسوب می‌شود. از دیدگاه اکثریت، فیلم، داستان، ترانه یا شعری که یادآور تهران باشد وجود ندارد، ترانه «تهران» که با صدای امیر کریمی زمانی از شبکه تهران پخش می‌شده آن هم مصرع «تهران شب از تو دور است / تهران همیشه نور است» مهم‌ترین اثر هنری است که از تهران در یاد اهالی ماندگار شده است.

کارت پستالی از آنها تهران را به کل دنیا معرفی کرد. اما اگر قرار باشد مردم بخشی از تهران را در قاب عکس برای خود به یادگار ثبت کنند در کنار برج آزادی و برج میلاد، بام تهران، پل طبیعت، کاخ سعدآباد، و کاخ گلستان نیز ترجیح داده می‌شوند. پل طبیعت، به‌منزله سازه‌های مدرن، سومین نماد تهران، کاخ سعدآباد، بازمانده دوران پهلوی، و کاخ گلستان از بناهای عهد آقامحمدخان قاجار است و بام تهران جایی است که از بلندی آن تمام شهر را می‌توان شکار کرد. از دیدگاه مردم، بازار، تجریش، شهرری، خیابان ایران، نیاوران، سعادت‌آباد، و خیابان ولی عصر با ارزش‌ترین محلات شهر تهران هستند. ارزشی که به‌جز در سعادت‌آباد بیشتر با تاریخی بودن در ذهن ساکنان عجین است. در بازنمایی تهران از منظر ذهنی ساکنان، این شهر بیشتر با ویژگی‌های منفی معرفی می‌شود که آلوده بودن، شلوغ بودن، و پرتراфик بودن به ترتیب اهم آن است. آلودگی هوا و تراфик به مهم‌ترین مشکل شهر تهران تبدیل شده و آنچه از آن با عنوان مهم‌ترین حسن تهران یاد می‌شود امکانات زیاد و ویژگی کار و درآمد است. تهران از نظر ساکنانش هوای پاک، آرامش، و مدیریت خوب کم دارد. جالب آنکه همانند تهران، مردمانش نیز بیشتر با صفات منفی بازنمایی می‌شوند. بی تفاوت نسبت به هم، عصبی، بامعرفت، پرتلاش، کم‌حوصله، نداشتن ویژگی خاص، و بافرهنگ بودن به ترتیب مهم‌ترین صفاتی است که مردم ساکن تهران به تهرانی‌ها نسبت می‌دهند. حال آنکه شهری که مردم در تصور خود دوست دارند ساکن آن باشند همچنان تهرانی است که معایب آن رفع شده است؛ تهران بدون آلودگی، شلوغی، و تراфик آرمانشهر ساکنانش است.

توسعه و احداث بزرگراه‌ها و پل‌ها، افزایش جمعیت، افزایش ساخت‌وساز، و توسعه مترو و خطوط حمل‌ونقل عمومی مهم‌ترین تغییر تهران در سال‌های اخیر از دیدگاه ساکنانش است.

از دیدگاه اکثریت پرسش‌شوندگان تهران سوغات ندارد،

عوامل برساننده در تهران	معرفه‌های تهران
مهم‌ترین شخصیت‌های مطرح شهر (نام تهران بیشتر - ۵۲/۲٪ - با شخصیت‌های سیاسی کشوری عجین شده است)	ندارد (۲۴٪)، محمدرضا پهلوی (۹٪)، آیت‌الله خامنه‌ای (۸/۵٪)، پروفیسور حسایی (۷٪)
مهم‌ترین نماد توصیف‌کننده شهر	برج آزادی (۲۶/۵٪)، برج میلاد (۲۰/۶٪)، بازار (۶/۹٪)
بنای یادگاری شهر برای ساکنان	برج آزادی (۲۰٪)، برج میلاد (۱۳/۵٪)، بام تهران (۶٪)، پل طبیعت (۵/۵٪)، کاخ سعدآباد (۳٪)، کاخ گلستان (۳٪)
بنای عرضه‌کننده شهر در سطح بین‌المللی	برج آزادی (۳۰٪)، برج میلاد (۱۹٪)
مهم‌ترین صفات (تهران در منظر ذهنی پرسش‌شوندگان بیشتر - ۷۱/۳٪ - با ویژگی‌های منفی معرفی می‌شود)	آلوده (۲۲/۳٪)، شلوغ (۲۲/۳٪)، پرتراфик (۸/۶٪)
مهم‌ترین مشکلات	آلودگی هوا (۲۷/۱٪)، تراфик (۲۴/۹٪)
مهم‌ترین کمبودها	هوای پاک (۲۲/۲٪)، آرامش (۱۴٪)، مدیریت خوب (۱۲/۷٪)
مهم‌ترین تغییر طی سالیان	بزرگراه‌ها و پل‌ها (۱۴/۷٪)، افزایش جمعیت و شلوغی (۱۴٪)، ساخت‌وساز (۱۲/۶٪)، مترو و حمل‌ونقل عمومی (۱۲/۶٪)
مهم‌ترین حسن	امکانات (۴۳/۷٪)، کار و درآمد (۱۴/۹٪)
مهم‌ترین ویژگی ساکنان (همانند تهران، مردمانش نیز بیشتر - ۵۵/۴٪ - با صفات منفی بازنمایی می‌شوند)	بی تفاوت نسبت به هم (۱۳/۳٪)، عصبی (۸/۸٪)، بامعرفت (۷/۹٪)، پرتلاش (۷/۵٪)، کم‌حوصله (۴/۲٪)، نداشتن ویژگی خاص (۴/۲٪)، بافرهنگ (۳/۳٪)
بازرزش‌ترین محلات	بازار (۲۴/۳٪)، تجریش (۷/۹٪)، شهر ری (۶/۹٪)، خیابان ایران (۳/۵٪)، نیاوران (۳٪)، سعادت‌آباد (۲/۵٪)، خیابان ولی عصر (۲/۵٪)
مهم‌ترین سوغات	ندارد (۳۴٪)، دود (۹/۴٪)، عکس یادگاری از تهران (۶/۱٪)
رنگ شهر	خاکستری (۵۲٪)
فیلم، داستان یا ترانه یادآور شهر	ندارد (۳۷٪)، تهران شب از تو دور است (۱۵٪)
حیوان یادآور شهر	گرگ (۱۱٪)، هیچ حیوانی (۱۰٪)، گربه (۷٪)، فیل (۷٪)، شیر (۶/۵٪)، اسب (۴٪)، ببر (۳/۵٪)
آرمانشهر ساکنان	تهران با رفع معایب (۶۹٪)

در پاسخ سؤال مهم‌ترین صفت، در ۵۶۱ پاسخ طرح‌شده ۸۴ صفت متفاوت برای شهر تهران ذکر شده است که از این میان صفت‌های آلوده (۲۲/۳٪)، شلوغ (۲۲/۳٪)، و پرتراфик (۸/۶٪) دارای بیشترین فراوانی هستند. در دسته‌بندی دیگر، تهران برای اکثریت ۷۰ درصدی پرسش‌شوندگان حاوی صفات منفی است و فقط ۱۸٪ ایشان به صفات مثبت تهران اشاره کرده‌اند (جدول ۴).

در پاسخ سؤال مهم‌ترین مشکل تهران، در ۳۶۲ پاسخ طرح‌شده ۴۳ مشکل مختلف برای شهر تهران ذکر شده است که آلودگی هوا (۲۷/۱٪) و تریفیک (۲۴/۹٪) به‌ترتیب دارای بیشترین فراوانی هستند.

در پاسخ سؤال مهم‌ترین حسن تهران، در ۲۱۵ پاسخ طرح‌شده ۳۰ حسن مختلف برای شهر تهران ذکر شده است که امکانات (۴۳/۷٪) و کار و درآمد (۱۴/۹٪) به‌ترتیب دارای بیشترین فراوانی هستند، هیچ‌کدام از اینها جایگاهی در مهم‌ترین صفت تهران نداشته‌اند.

در پاسخ سؤال مهم‌ترین کمبود، در ۲۲۱ پاسخ طرح‌شده ۳۹ کمبود مختلف برای شهر تهران ذکر شده است که هوای پاک (۲۲/۲٪)، آرامش (۱۴٪) و مدیریت خوب (۱۲/۷٪) به‌ترتیب دارای بیشترین فراوانی هستند و تقریباً واژگان متضاد آلودگی، شلوغی، و تریفیک هستند.

در پاسخ سؤال سوغات تهران، در ۲۱۲ پاسخ طرح‌شده نام ۳۹ سوغات مختلف برای شهر تهران ذکر شده است که سوغات ندارد (۳۴٪)، دود (۹/۴٪)، عکس یادگاری از تهران (۶/۱٪) دارای بیشترین فراوانی هستند.

نوع صفت	صفت منفی	صفت مثبت	صفت خنثی
فراوانی	۳۹۹	۱۰۳	۵۸
درصد فراوانی	۷۱/۳	۱۸/۴	۱۰/۵
تنوع صفت	۴۴	۳۱	۹

از دیدگاه بیشتر پرسش‌شوندگان، تهران رنگی خاکستری دارد که شاید علت آن آلودگی هوا باشد. تهران چون گرگ درنده‌ای در ذهن مردمانش نقش بسته است. تهران گربه زیاد دارد و گربه صفت است. مثل فیل بزرگ و خاکستری است. تهران مثل شیر قوی و سلطان جنگل است. شبیه اسب نجیب است و مثل ببر زیبا و خطرناک (جدول ۲).

۲.۳. بازبینی نتایج تبیین هیروگلیف کلان‌شهر مدرن تهران بر اساس عوامل برسازنده منظر ذهنی شهر

الف: در این پژوهش با طرح سؤالات مختلف برای خوانش تهران از دید رانندگان تاکسی، بازنمایی صفاتی پیگیری شد که به عناوین مختلف به تهران نسبت داده می‌شود. برخی از این عناوین در پاسخ مستقیم سؤال بیان صفت برای تهران و برخی دیگر در پوشش بیان مهم‌ترین سوغات، مهم‌ترین مشکل، حسن، و کمبود تهران طرح شد.

مسئله تصویر شهر را می‌شود با صفاتی که از سوی ساکنان به یک شهر نسبت داده می‌شود فهمید.^{۶۳} باید در نظر داشت که یک شهر نیز همانند یک فرد خصلت خاص خود را از شیوه‌هایی کسب می‌کند که در آن زیاده‌روی می‌کند.^{۶۴} شاید از این زیاده‌روی است که در پاسخ به سؤالات مهم‌ترین صفات، مشکلات، و کمبودها در پرسش‌نامه، صفاتی چون آلوده، شلوغ، پرتریفیک با نام تهران عجین شده‌اند که در ادامه به آن اشاره شده است (جدول ۳).

صفات	سؤالات	آلوده	شلوغ	پرتریفیک
صفات شهر	*	*	*	*
مهم‌ترین مشکل شهر	*	*	*	*
بدیل مهم‌ترین کمبود تهران	*	*	*	*
سوغات تهران	*	*	*	*

۵۶. عباس کاظمی، «پروپلماتیک زندگی روزمره در مطالعات فرهنگی و نسبت آن با جامعه ایران»، ص ۱۰۱.

57. Erlebnis
58. Erfahrung

۵۹. ریچارد پالمر، علم هرمنوتیک، ص ۱۱۹.

۶۰. کاظمی، همان، ص ۱۰۴.

61. Jude Bloomfield, "Researching the Urban Imaginary: Resisting the Erasure of Place".

62. Bianchini, "European Urban Mindscape: Concepts, Cultural Representations and Policy".

۶۳. متیو ریزن، «کارتون‌ها و نمایش طنز پایتخت فرهنگی اروپا»، ص ۲۸۹.

۶۴. نک: زیمل، همان.

جدول ۳ (راست). معرفی صفات پرتکرار تهران از نظر پرسش‌شوندگان. جدول ۴ (چپ). تحلیل محتوایی صفات متناسب به تهران از دیدگاه پرسش‌شوندگان.

شخصیت‌های مهم تأثیرگذارش باشد.

در بررسی داستان، ترانه، یا شعر یادآور تهران در ۲۰۰ پاسخ طرح‌شده نام ۵۴ داستان، ترانه، یا شعر مختلف برای شهر تهران ذکر شده که بدون جواب (۳۷٪) و ترانه «تهران شب از تو دور است» (۱۵٪) به‌ترتیب دارای بیشترین فراوانی هستند. در ۴۸٪ باقی‌مانده نام ۵۲ ترانه یا فیلم دیگر ذکر شده که از این میان مستند «در شهر»، فیلم «زیر پوست شهر» (رخشان بنی‌اعتماد)، فیلم «تهران، طهران» (داریوش مهرجویی)، سریال «هزارستان» (علی حاتمی)، ترانه «تهران» (رضا یزدانی)، «دکلمه‌های مرتضی احمدی»، برنامه «سلام تهران»، ترانه «اینجا تهرانه یعنی شهریه که» (هیچ‌کس)، ترانه «تهران» (پرویز پرستویی)، انیمیشن «تهران ۱۵۰۰»، سریال «خودروی تهران ۱۱» (مرضیه برومند)، و فیلم «گنج قارون» (سیامک یاسمی) به‌ترتیب دارای بیشترین فراوانی هستند.

والتر بنیامین در مقاله «بازگشت پرسه‌زن»^{۶۶} بر این اعتقاد است که اگر می‌خواستیم شرح‌های موجود از شهرها را بر اساس محل تولد نویسنده به دو دسته تقسیم کنیم، بی‌شک درمی‌یافتیم آنهایی که اهالی شهرهای مورد نظر نوشته‌اند، در اقلیت تأمند. با توجه به بازگشت تاریخ شهریت تهران به دوران قاجار و مرسوم بودن تخریب تاریخ کالبدی برای نوسازی و الگوبرداری از غرب در ساخت شهر می‌توان ادعا کرد که تهران آن‌گونه که انتظار می‌رود هرگز مقصد مناسبی برای شرق‌شناسان نبوده تا جزئیات کالبدی آن ثبت شود یا اگر بوده این تصاویر در ذهن مردم جایگاه مناسبی نیافته است. نباید فراموش کرد که اندیشمندان گذشته شهری چون استانبول را

ب: در بخش دیگری از پژوهش با طرح سؤالاتی چون آیا فیلم، داستان، ترانه، یا شعری به یاد دارید که در رابطه با تهران باشد و یا تهران را با چه شخصیتی (سیاسی، علمی، ادبی، هنری، و...) به یاد می‌آورید؟ سعی در دستیابی به تصویر ذهنی بود که از تهران ساخته شده است.

همان‌گونه که ساتلز نیز طرح می‌کند^{۶۵}، بازنمایی‌های جمعی از شهر در مورد شخصیت‌های بنیان‌گذار یا کاشف شهر، نخبگان اقتصادی و سیاسی و مصنوعات مادی (مانند بناهای یادبود) و غیرمادی (همچون سخنان نغز، سرودها، و داستان‌ها) صورت می‌پذیرد که در شکل‌گیری شخصیت یک مکان تأثیر بسزایی دارند. نتایج این پژوهش آشکار می‌کند که در ذهن ساکنان تهران نام تهران با شخصیت منحصربه‌فردی عجین نشده است. در ۲۰۰ پاسخ بررسی‌شده، ۲۴٪ پرسش‌شوندگان شخصیتی را یادآور تهران ندانستند و نام شخصیت‌هایی چون محمدرضاشاه پهلوی (۹٪)، آیت‌الله خامنه‌ای (۸/۵٪)، پروفیسور حسایی (۷٪) در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. در ۵۰٪ باقی‌مانده نیز نام ۴۲ شخصیت مختلف طرح شده که از این میان نام شخصیت‌هایی چون آیت‌الله خمینی، امیرکبیر، آقامحمدخان قاجار، قالیباف، آیت‌الله رفسنجانی، و رضاشاه به‌ترتیب دارای بیشترین فراوانی هستند. در تحلیلی دیگر با دسته‌بندی شخصیت‌های مطروحه مشخص شد که اکثر پرسش‌شوندگان تهران را با شخصیت‌های سیاسی به یاد می‌آورند (جدول ۵).

همان‌گونه که مشهود است، بیشتر اسامی به‌کاررفته در خصوص تهران مربوط به شخصیت‌های سیاسی ملی است که حکایت از جاری بودن روح سیاسی در کالبد تهران دارد که با حقیقت شکل‌گیری تهران نیز کاملاً همخوان است. به‌طور مثال اگرچه تهران شهریت امروزی خود را مدیون آقامحمدخان قاجار است که برای اولین بار آن را پایتخت ایران برگزید، اما فقدان افتخار به تاریخ گذشته و نبود تأکید بر یادآوری آن می‌تواند یکی از مهم‌ترین علل آشفتنگی کنونی تهران در به‌یادآوری

۶۵ نک:

G.D. Suttles, "The Cumulative Texture of Local Urban Culture".
66. Walter Benjamin, "The Return of the Flaneur".

جدول ۵. تیپ‌بندی کلی مهم‌ترین شخصیت‌های تهران از دیدگاه پرسش‌شوندگان.

تیپ بندی شخصیتی	سیاسی	علمی	هنری	مذهبی	ادبی	نظامی	ورزشی	بدون ذکر نام
فراوانی	۱۰۵	۱۸	۱۰	۶	۶	۴	۳	۴۸
درصد فراوانی	۵۲/۵	۹	۵	۳	۳	۲	۱/۵	۲۴
تنوع نام	۲۱	۳	۸	۵	۴	۳	۱	۰

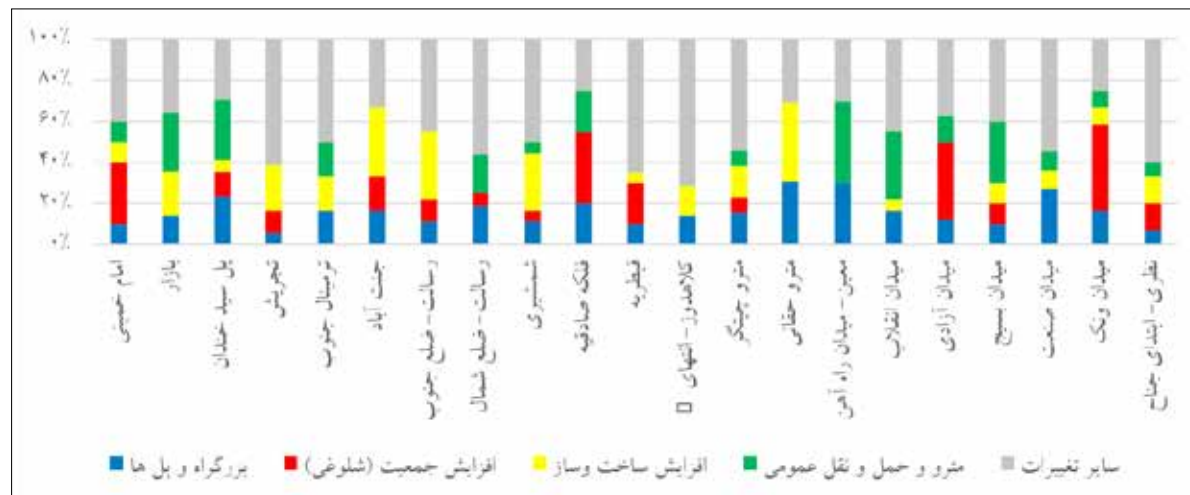
احداث بزرگراه، پل، و تقاطع غیرهمسطح مهم‌ترین تغییرات تهران در سال‌های اخیر از دیدگاه پرسش‌شوندگان هستند که فارغ از جایگاه مکانی در همهٔ پایانه‌ها به آنها اشاره شده است. اما افزایش جمعیت و شلوغی عمدتاً در پایانه‌های غربی طرح شده که آن نیز به‌درستی حاکی از رشد و توسعهٔ غربی تهران است، مسئله‌ای که برای شرق و مرکز تهران از فرط تراکم بالا و ازدحام عادی جلوه می‌کند.

در این پاسخ‌ها به‌صورت غیرمستقیم به مدرنیزاسیون شهر و توسعهٔ سریع شهر بارها اشاره شده است. آنچه بیش از همه در تبیین هیروگلیف کلان‌شهر تهران بر اساس این سؤال نقش دارد، ناپایداری و عدم ثبات کالبدی است. در کنار محاسن این ویژگی، باید در نظر داشت که توسعهٔ مداوم شهر و تخریب وسیع گذشته باعث مخدوش شدن خاطرات ساکنان از شهر می‌شود. اهالی قدیمی شهر در کالبد نوشته، با اسامی دگرگون‌شده، سرگشته یافتن نقطهٔ اتصال مکانی برای توصیف خاطراتی می‌شوند که در تاروپود شهر تنیده شده است. ت: در پاسخ سؤالاتی چون: اگر قرار باشد با چند مکان یا نماد کل تهران را توصیف کنید از کدام مکان‌ها یا نمادها نام می‌برید؟ اگر قرار باشد یک بنا از تهران را در قالب کارت‌پستال

به لطف گراورهای ملینگ، سیاحت‌نامه‌ها و کتاب‌های گوتیه، دامیچی، فلور، و نروال غربی، دقیقاً آن زمانی که مردمانش نمی‌دانستند چگونه باید تصویر کنند، بازمی‌یابند. زیبایی که در جهان معاصر در نوشته‌های احمد راسم، محمد کمال، تانپینار و اورخان پاموک جلوه می‌یابد. اما برای بازنمایی تهران به کدام تصویر یا نوشتهٔ پرمخاطب باید استناد جست؟ پاسخ آنکه یا چنین مستنداتی وجود ندارد یا اینکه وجود دارد و هرگز راوی قدرتمندی چون پاموک، جویس، بودلر، و ... برایش پیدا نشده و مهم‌تر آنکه شاید هرگز اهمیتی نداشته است.

پ: در پاسخ سؤال مهم‌ترین تغییر تهران در سال‌های گذشته، در ۲۸۶ پاسخ طرح‌شده ۳۶ تغییر مختلف برای شهر تهران ذکر شده است که احداث بزرگراه‌ها و پل‌ها (۱۴/۷٪)، افزایش جمعیت و شلوغی (۱۴٪)، افزایش ساخت‌وساز (۱۲/۶٪)، و توسعهٔ مترو و حمل‌ونقل عمومی (۱۲/۶٪) به‌ترتیب دارای بیشترین فراوانی هستند. در ۴۶٪ باقی‌مانده ۳۲ تغییر دیگر ذکر شده که از این میان تغییراتی چون توسعهٔ فضای سبز، بزرگ شدن اندازهٔ شهر، زیبا شدن، و آلوده‌تر شدن بیشترین فراوانی را دارند (ت ۲).

با توجه به پراکنش مکانی پاسخ‌ها به جرئت می‌توان گفت



ت ۲. معرفی مهم‌ترین تغییر تهران به تفکیک جایگاه مکانی پرسش‌شوندگان.

ثابت جا خوش کنند.^{۶۲}

طبق پژوهش انجام‌شده، تهران در تصور پرسش‌شوندگان عمدتاً به واسطهٔ برج آزادی، برج میلاد، و مجموعهٔ بازار بازنمایی می‌شود. برج آزادی علاوه بر شکل بدیع آن در مقام ابژه معماری، حاوی معناهای ایدئولوژیک گاه متضاد سیاسی نیز هست که دقیقاً به این دلیل برخی اوقات سعی می‌شود ارزش نمادین آن به ارزش‌های فنی محدود شود. برج میلاد، بلندترین سازهٔ شهر، که نمایشگر اقتدار مهندسی ایرانی است، به دلیل موقعیت و شکل قرارگیری، لاجرم به گوشهٔ ذهن همهٔ تهرانی‌ها سنجاق شده است. مجموعهٔ بازار نیز بازماندهٔ قابل‌افتخار تاریخ تهران است (جدول ۶).

نکتهٔ جالبی که از تحلیل پرسش‌نامه به تفکیک جایگاه مکانی پرسش‌شوندگان قابل‌ذکر است، فقدان اشاره به نام برج میلاد در پایانهٔ میدان صنعت — نزدیک‌ترین پایانه به برج نمادین میلاد — است. اتفاقی که در پایانه‌های حقانی و ونک نیز در مورد اشاره به پل طبیعت قابل‌پیگیری است. این فقدان در پایانهٔ آزادی و اشارهٔ حداقلی به بنای آزادی نیز می‌تواند تفاسیر مختلفی در بر داشته باشد. شاید پرسش‌شوندگان دل‌زده از تکرار برای ثبت عکس یادگاری از تهران دنبال مفردی جز نمادی هستند که هرروز برایشان تکرار می‌شود (ت ۳).

در بازنمایی تهران جای خالی اشاره به تاریخ و مناطق تاریخی تهران بسیار مشهود است و عناصر تاریخی در جایگاه تعریف نماد برای تهران نقشی کم‌رنگ دارند، شاید چون بقایای بافت تاریخی تهران هرگز به بافت‌های تاریخی که در شهرهای غربی به چشم می‌خورند و با عنوان موزه‌های تاریخ حفظ شده‌اند، شباهت ندارد.^{۶۳} اغلب بناهای قدیمی بافت تاریخی ابنیه‌ای هستند که یا ساکنان تهران فقط در میانشان زندگی می‌کنند و یا به دلیل قدمت کم سکونت، آن قدری که برای انتقال احساسات عمیق‌تر لازم است، در تهران زندگی نکرده‌اند.

به کل دنیا معرفی کنید کدام بنا را انتخاب می‌کنید؟ گر تنها حق گرفتن یک عکس یادگاری از تهران را داشته باشید کدام بنا یا کجا را ترجیح می‌دهید؟ با ارزش‌ترین محلهٔ تهران به نظر شما کجاست؟ چرا؟ این موارد زیر قابل‌نتیجه‌گیری است: شهرها اغلب به یمن بناهای نمادین تصور و فهمیده می‌شوند.^{۶۴} تصاویر و محیط دیداری شهرهای معاصر علاوه بر نقشی اساسی که در جذب گردشگر دارند، هم‌زمان عناصر کلیدی تولید هویت‌های شهری نیز هستند. ساکنان شهر نیز مانند گردشگران منظر ذهنی خود را با ارجاع به نقاط نمادین «از پیش برجسته»^{۶۵} برمی‌سازند.^{۶۶} منظرهای ذهنی شهری نه‌تنها در تجارب شخصی و گروهی شهر و بازنمایی‌های زیباشناختی شکل می‌گیرند بلکه تابعی از دخالت آگاهانه هم هستند و در نتیجه از عوامل متعددی در سیاست‌های نمادگرایی شهری اثر می‌پذیرند.^{۶۷} دعوی‌های سیاسی و تجاری شکل‌گرفته بر سر تسلط به منظرهای ذهنی شهر نمونه‌ای از این عوامل است. گاهی این بناهای برجسته، به جایگاه‌های مهم برای بافت فرهنگی شهر تبدیل و محل‌های مرجع و نمادهایی می‌شوند که می‌توان در قالب «روایت‌های اعظم» شهر و کشور قرارشان داد و برای تصدیق این روایت‌ها از آنها بهره جست. بر اساس نوشتهٔ نیل لیچ

بناها مهبیای تجسم رؤیت‌پذیر امر رؤیت‌ناپذیر می‌شوند، رسانه‌ای می‌شوند که از طریق آن ساختار فانتزی سرزمین بازنمایی می‌شود.^{۶۸}

به نحوی که بازنمایی این بناها و نمادها تا حد معینی بازنمایی خود شهر خواهد بود.

اما اگر بخواهیم برداشتی سراسر از هاله‌ای که هر شهر را در بر گرفته شرح دهیم، چیزی گویاتر از کارت‌پستال‌های گردشگری نیست. این تصاویر عنصری را در خود نگه می‌دارند که مدت زمانی طولانی می‌پاید و به خاطر جمع‌ی فرصت به هم پیوستن می‌دهد تا در این جهان در حال حرکت در نقطه‌ای

۶۷. لوتنه پولیاک، «پل‌های معلق، تغییرات معنایی استعاره‌های پل در بوداپست قرن بیستم»، ص ۳۱۵.

۶۸. منظور ساختمان‌هایی است که دست‌کم در مناسبت‌ها هویت‌ساز می‌شوند.

۶۹. همان، ص ۳۱۸.

۷۰. همان، ص ۳۳۴.

71. Leach, *ibid*, p. 88.

72. M. Manale, "La Modernize Fait Mythe", p. 205.

دربدارنده نقششان در شهر است، و تقدیر مردم با تقدیر شهر در هم تنیده است، می‌توان از ویژگی‌هایی که برای مردم تهران بیان شده است به ویژگی‌های تهران رسید.

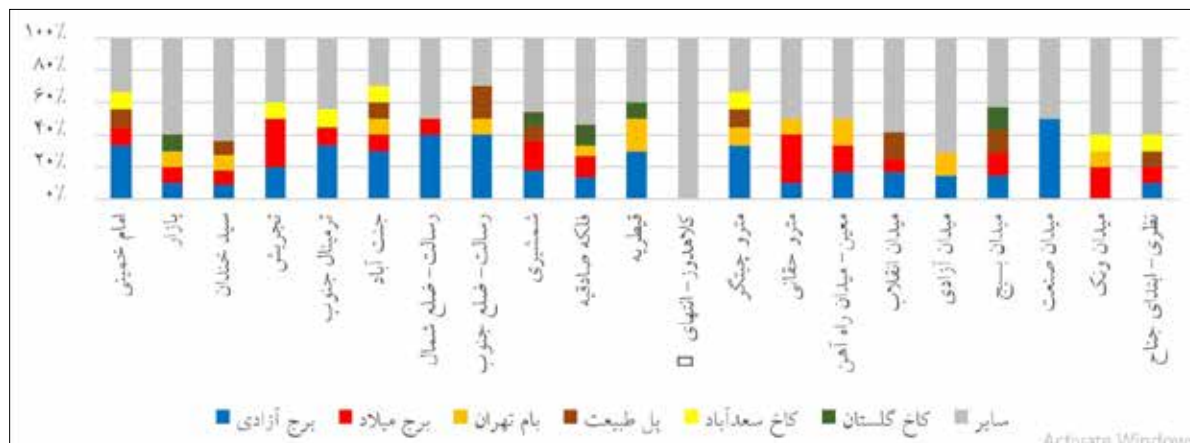
بر اساس نتایج، به نظر می‌رسد طبق آنچه در حیات ذهنی کلان‌شهر طرح شد، بی‌تفاوتی عاطفی و بی‌اعتنایی که حاصل انگیزش‌های شدید روانی و پیچیدگی‌های حسانی و عاطفی کلان‌شهر مدرن است، به ویژگی منحصر به فرد اجتماع تشکیل‌دهنده تهران تبدیل شده و این شهر گونه کلان‌شهری متناسب با اضطرار و میزان تنش جاری در اضطرار تربیت شده است. گونه‌ای که ساکنانش بتوانند پیچیدگی موجود در فضای شهر، یعنی شوک‌آمیز بودن و نابهنگامی تجربه شهری را تاب بیاورند، پیچیدگی‌ای که در آن امکان به‌وقوع پیوستن هر حادثه و رخدادی فراتر از توقع و پیش‌بینی ساکنان آن وجود دارد و کسانی این شوک‌آمیز بودن تجربه شهری را می‌توانند تحمل کنند که به شکلی ناخودآگاه برای مواجهه با آن آموزش دیده باشند.^{۲۴}

ج: در پاسخ سؤال آرمانشهر ذهنی از ۲۰۰ پاسخ طرح شده، آرمانشهر ۶۹٪ پرسش‌شوندگان شبیه تهران با رفع معایب آن است. در سؤالات قبلی، پرسش‌شوندگان از مظاهر مدرنیته در تهران شکایت داشتند: آلودگی، شلوغی، ترافیک. اما در واقع در

ث: در پاسخ سؤال مهم‌ترین ویژگی مردم تهران چیست؟ در ۲۴۰ پاسخ طرح شده ۶۱ ویژگی مختلف برای مردم شهر تهران ذکر شده است که بی‌تفاوتی نسبت به هم (۱۳/۳٪)، عصبی بودن (۸/۸٪)، بامعرفت بودن (۷/۹٪)، پرتلاش بودن (۷/۵٪)، کم‌حوصله بودن (۴/۲٪)، نداشتن ویژگی خاص (۴/۲٪)، و بافرهنگ بودن (۳/۳٪) به ترتیب دارای بیشترین فراوانی هستند. در ۵۰٪ باقی‌مانده ۵۴ ویژگی دیگر ذکر شده که از این میان ویژگی‌هایی چون پرمشغله، مهربان، سازگار با شرایط، زرنگ، خون‌گرم، مؤدب، تجملاتی، خودخواه، خسته، عجول، خوش‌گذران، مضطرب، و سرخوش بودن بیشترین فراوانی را دارند. در کل پاسخ‌ها، صفات منفی از فراوانی بیشتری برخوردار هستند.

اگر این فرض را در نظر بگیریم که ساکنان شهر هنگام توصیف شهر خود را توصیف می‌کنند و توصیفات آنها در واقع

برج آزادی	برج میلاد	بازار
نماد توصیف‌کننده شهر	نماد توصیف‌کننده شهر	نماد توصیف‌کننده شهر
بنای یادگاری برای ساکنان	بنای یادگاری برای ساکنان	محلہ بارزش
بنای عرضه‌کننده شهر در سطح بین‌المللی	بنای عرضه‌کننده شهر در سطح بین‌المللی	



۷۳. برای ترسیم این تفاوت به مثال صفحه ۱۴۲ کتاب استانبول می‌توان استناد کرد. داستایوفسکی هنگام حضور در سوئیس سر در نمی‌آورد که چرا ژنوی‌ها آن قدر نسبت به شهر خود احساس غرور می‌کردند. این ناسیونالیست ضدغرب در نامه‌ای نوشته است: «اینها به ساده‌ترین چیزها مثلاً تیرک‌های چوبی کوچک‌ها و خیابان‌ها چنان خیره می‌شوند که انگار باشکوه‌ترین و مجلل‌ترین شیء روی زمین است». ژنوی‌ها به شهر تاریخی خود چنان مباحث می‌کردند که وقتی او ساده‌ترین مسیرها را از آنها می‌پرسید، در جواب مثلاً می‌گفتند «جناب آقا، این خیابان را مستقیم بروید و فواره برجی ظریف و خیره‌کننده را که در آنجا هست رد کنید». اگر یک استانبولی می‌خواست این کار را بکند احتمالاً همان لحنی را به کار می‌برد که نویسنده بزرگ، احمد راسم، در اثر خود به کار برده است «برو تا برسی به حمام خرابه ابراهیم پاشا، یک کم که رفتی جلو، دست راستت به خونه فرسوده می‌بینی که مشرفه به همان خرابه‌ای که ازش رد شده‌ای...» (نک: اورحان پاموک، استانبول).
۷۴. اسلامی، همان، ص ۱۶۴-۱۶۵.

جدول ۶ (بالا). معرفی اینبه پرتکرار تهران در تجربه پرسش‌شوندگان. ت ۳ (پایین). معرفی بنای منتخب تهران برای ثبت در عکس یادگاری به تفکیک جایگاه مکانی پرسش‌شوندگان.

کلان‌شهرنشینی آن هم بالقوه و به دلیل ویژگی ذاتی غیربومی بودن از ابتدا نیز درگیری کمتری با فضای شهری داشته است. بعد تخریبی نوآورانه مدرنیته، با تخریب گذشته، ناپایداری تجربه در کلان‌شهر مدرن تهران را تشدید کرده و با حذف یا کم‌رنگ کردن کالبد معنادار، حافظه شهر را از معنا تهی کرده است. گویا شهر گذشته‌ای ندارد و از قید هویت آزاد شده است. داستان تهران که باید نمایانگر روایت‌های اعظم شهر باشد، فارغ از تاریخ کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، و رخدادی شهر، به واسطه سازه‌های مدرنی روایت گردیده که به شهر الصاق شده‌اند. سازه‌های نوپایی که خوانش در زمانی شهر را مختل کرده‌اند و آن را به قرائت هم‌زمانی تقلیل می‌دهند.

بر اساس نتایج به دست آمده، در هیروگلیف تبیین شده از بازنمایی غیررسمی تهران خبری از مدرنیته توأمان سلبی و ایجابی بودلری نیست و این بازنمایی بدون دیدگاهی همه‌جانبه‌نگر و تمامیت‌نگر، در بهترین حالت با یک جور نگاه شکاک و بدبین و در بدترین حالت با یک نفرت عمیق از زندگی شهری مدرن صورت پذیرفته است.

در حالی که در بسیاری از کلان‌شهرهای مدرن چون لندن، نیویورک، پاریس، برلین، و ... سعی در عرضه تصویر ذهنی مطلوب و رؤیایی از آن می‌شود.^{۷۶} بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، تهران در منظر ذهنی رانندگان تاکسی، که خود از مهم‌ترین عوامل برسازنده منظر ذهنی شهر هستند، تلخ‌تر از واقعیت موجود شکل گرفته است. تهرانی، که از نظر ساکنانش شخصیت مهم ندارد، سوغات ندارد، فیلم، داستان یا ترانه‌ی یادآور ندارد، تاریخ ندارد، و رنگش خاکستری است، در مقام مهم‌ترین کلان‌شهر مدرن ایران در ذهن مخاطبانی که هرگز آن را ندیده‌اند به دلیل کدام عوامل و چگونه نقش بسته است؟ حال آنکه با استفاده از عوامل برسازنده منظر ذهنی می‌توان بر زبان ناخوانای مدرنیته غلبه کرد و با دست‌کاری آن چهره متفاوتی از شهر عرضه کرد. نتایج حاصل از تحلیل اطلاعات

همان لحظه‌ای که لب به اعتراض می‌گشایند و حس تنفر خود را بیان می‌کنند، در سؤالی دیگر در توصیف آرمانشهر خود، عاشقانه شهر را با همه مشکلاتش ستایش می‌کنند؛ زیرا که خود نیز جزئی از این وضعیتند و از غیر از این بودن در هراسند. همان‌گونه که زیمل نیز اشاره می‌کند،^{۷۵} حس توأمان عشق و نفرت (موجود در زندگی روزمره)، نسبت به مدرنیته، یکی از مهم‌ترین مظاهر وضعیت تناقض‌آمیز زندگی مدرن است و کلان‌شهر مدرن در مقام عینیت مدرنیته، انباشته از تناقض‌ها و وضعیت‌های متعارض است.

۴. تبیین کلی یافته‌های پژوهش از بازخوانی هیروگلیف کلان‌شهر مدرن تهران

بر اساس یافته‌های ناشی از خوانش هیروگلیف تهران و تطابق آن با مظاهر پنهان کلان‌شهر مدرن، می‌توان ادعا کرد که شهر تهران در مقام عینیت مدرنیته تحقق یافته، انباشته از تناقض‌ها و وضعیت‌های متعارض شده و حس توأمان عشق و نفرت نسبت به مدرنیته به مثابه یکی از مهم‌ترین مظاهر وضعیت تناقض‌آمیز زندگی مدرن در تهران نیز بروز و ظهور کرده است. به نظر می‌رسد کلمه، عبارت، و جمله شکل گرفته از تهران با کنار هم قراردادن جزئیات شهر متن ناخوانایی را تشکیل داده که تهران تکه‌تکه شده میان جدید و قدیم، نو و کهنه، سنت و مدرنیته را یادآور است. جمله‌ای که با کنار هم قرارگیری بازار، تجریش، شهر ری، خیابان ایران، نیاوران، سعادت‌آباد، خیابان ولی عصر به منزله بارزترین محلات تهران تشکیل می‌شود، خود برای انتقال معنای مرجح نیازمند تفسیر تک‌تک اجزایش است.

به نظر می‌رسد تهران توانسته است گونه کلان‌شهری از خود بیگانه، بی‌فاوت و دل‌زده، و متناسب با اضطرار و میزان تنش جاری در اضطرار بشود و به معنای حسانی و فیزیکی، درگیری‌اش با فضای شهری کاهش یابد. گونه

۷۵. زیمل، همان.

۷۶. برگرفته از 3 p. Leach, ibid.

همانند آنچه هلن سیکسوس در کتاب *یورش‌هایی به قلعه در مورد شهر پراگ* طرح می‌کند (H. Cixous, "Attacks of Castle").

ذهنی شهر تهران دارند، شناسایی آنچه در این روایت نوشته نشده و ریشه‌شناسی آن اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت و این آن مقصودی است که هدف رمزگشایی هیروگلیف و خواندن آن چیزی است که هرگز نوشته نشده است.

به‌دست‌آمده از روایت‌های غیررسمی تهران به‌وضوح مشخص می‌کند که سیاست یکپارچه برای بازنمایی هدفمند از شهر تهران وجود نداشته و یا ابزار مناسبی برای بازنمایی تعریف نشده است. مسلماً برای کسانی که سعی در خلق یا تغییر منظر

منابع و مآخذ

پولیاک، لوتته. «پل‌های معلق، تغییرات معنایی استعاره‌های پل در بوداپست قرن بیستم». ترجمه کاوه اکبری. در *فرانکو بیانچینی و همکاران، منظر ذهنی شهر: مفاهیم، بازنمایی‌های فرهنگی و کاربست‌های سیاست‌گذارانه، تهران: تیس، ۱۳۹۳*.

آزاد ارمکی، تقی و محمد رضایی. «سوژه و قدرت: تحلیل چگونگی شکل‌گیری ذهنیت در مطالعات فرهنگی». در *نامه علوم اجتماعی، ش ۲۷ (بهار ۱۳۸۵)*، ص ۱۲۵-۱۵۶.

رشیدپور، نازیلا و سیدمحسن حبیبی. «کاوش در تبیین هیروگلیف کلان‌شهر مدرن». در *صفه، ش ۸۵ (تابستان ۱۳۹۸)*، ص ۳۷-۵۴.

اسلامی، مازیار. *صحنه‌هایی از یک ازدواج: ملاحظاتی درباره فضا و شهر در سینما. تهران: انتشارات حرفه هنرمند، ۱۳۹۴*.

رشیدپور، نازیلا. تبیین هیروگلیف کلان‌شهر مدرن تهران با تأکید بر قرائت، تجربه و خاطره. پایان‌نامه دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، ۱۳۹۸.

ادانل، هاگ. «شهر سلطنتی در تلویزیون: پوشش تلویزیونی وقایع رسانه‌ای سلطنتی». ترجمه کاوه اکبری. در *فرانکو بیانچینی و همکاران، منظر ذهنی شهر: مفاهیم، بازنمایی‌های فرهنگی و کاربست‌های سیاست‌گذارانه، تهران: تیس، ۱۳۹۳*.

ریزن، متیو. «کارتون‌ها و نمایش طنز پایتخت فرهنگی اروپا». ترجمه کاوه اکبری، در *فرانکو بیانچینی و همکاران، منظر ذهنی شهر: مفاهیم، بازنمایی‌های فرهنگی و کاربست‌های سیاست‌گذارانه، تهران: تیس، ۱۳۹۳*.

بنیامین، والتر. «درباره برخی از مضامین و دست‌مایه‌های شعر بودلر». ترجمه مراد فراهادپور. در *نشریه ارغنون، ش ۱۴ (زمستان ۱۳۷۷)*، ص ۲۷-۴۹.

زیمل، گئورگ. «کلان‌شهر و حیات ذهنی». ترجمه یوسف ابادری. در *نشریه مطالعات جامعه‌شناختی، ش ۶ (بهار ۱۳۷۲)*، ص ۵۳-۶۶.

_____ . «قصه‌گو: تأملی در آثار نیکلای لسکوف». ترجمه مراد فراهادپور و فضل‌الله پاکزاد. در *نشریه ارغنون، ش ۹ و ۱۰ (بهار و تابستان ۱۳۷۵)*، ص ۱-۲۶.

کاظمی، عباس. «پروپلماتیک زندگی روزمره در مطالعات فرهنگی و نسبت آن با جامعه ایران». در *فصلنامه مطالعات فرهنگی، سال اول، ش ۴ (پاییز و زمستان ۱۳۸۴)*، ص ۹۷-۱۲۲.

بیانچینی، فرانکو و همکاران. *منظر ذهنی شهر: مفاهیم، بازنمایی‌های فرهنگی و کاربست‌های سیاست‌گذارانه*. ترجمه کاوه اکبری و همکاران. به کوشش محمدعلی زکریایی. تهران: تیس، ۱۳۹۳.

کالونیو، ایتالو. *شهرهای ناپیدا*. ترجمه بهمن رئیس. تهران: کتاب خورشید، ۱۳۹۴.

پالمر، ریچارد. *علم هرمنوتیک، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی*. تهران: هرمس، ۱۳۷۷.

منل، باربارا. *شهرها و سینما*. ترجمه محمدرضا نویدپور و نیما عیسی‌پور. تهران: انتشارات بیدگل، ۱۳۹۴.

پاموک، اورخان. *استانبول*. ترجمه شهلا طهماسبی. تهران: نیلوفر، ۱۳۹۲.

Amendola, Giandomenico. "La Citaa Postmoderna, Rome and Bari: Laterza in Bianchini, Franco, European Urban Mindscape: Concepts, Cultural Representations and Policy". In Weiss-Sussex Godela & Franco Bianchini (eds), *Urban Mindscape of Europe, Amsterdam, New York: Rodopi, 2006*.

Schocken Books, 1986.

Barthes, Roland. "Semiology and the Urban", In *Rethinking Architecture*, ed. Neil Leach, London: Routledge, 2002.

Benjamin, Walter. "The Return of the Flaneur". In *Selected Writings*, Vol. 1, 1927- 1934. Eds. M.W. Jennings & H. Eiland & G. Smith Transl. R. Livingstone, et al, Cambridge, MA and London: The Belknap Press of Harvard University, 1999, pp. 262-267.

Benjamin, Walter. "Naples in Reflection". In *Essays, Aphorisms, Autobiographical Writings*, ed. Peter Demetz, New York:

Bianchini, Franco. "European Urban Mindscape: Concepts, Cultural Representations and Policy". In *Weiss-Sussex Godela, Franco Bianchini (eds)*, Amsterdam, New York: Rodopi, 2006.

- Calvino, Italo. *Invisible Cities*. Harcourt Brace Jovanovich, 1978.
- Cixous, Helen. "Attacks of Castle". In *Rethinking Architecture*, ed. Neil Leach, London: Routledge, 1997.
- Donald, James. "Metropolis: The City as Text". In *Social and Cultural Forms of Modernity*, eds. Robert Boccock & Kenneth Thompson, Cambridge: Polity press in association with basil Blackwell and the Open University, 1993, pp. 417-461.
- _____. *Imagining the Modern City*. Minneapolis: University of Minnesota Press, 1999.
- Frisby, David. "The Metropolis as Text: Otto Wagner and Vienna's Second Renaissance". In *The Hieroglyphics of Space*, ed. Neil Leach, London: Routledge. 2002, pp. 15-31.
- Gilloch, Graeme. *Myth & Metropolis: Walter Benjamin & the City*. Oxford, 1996.
- Kracauer, Siegfried. "On Employment Agencies". In *Rethinking Architecture*, ed. Neil Leach, London: Routledge, 1997.
- Leach, Neil. "Erasing the Traces. The 'Denazification' of Post-revolutionary Berlin and Bucharest". In *The Hieroglyphics of Space: Reading and Experiencing the Modern Metropolis*, ed. N. leach, London: Routledge, 2002.
- Manale, Margaret. "La Modernize Fait Mythe". In *Les Temps Modernes*, Vol. 59, No. 625, (2003), pp. 196-215.
- Maruyama, Magoroh. "Mindscape and Science Theories". In *Current Anthropology*, No. 21, (1980), pp. 589-608.
- Suttles, Gerald D. "The Cumulative Texture of Local Urban Culture". In *American Journal of Sociology*, 90(2) (1984), pp. 283-304.

■ **A Hieroglyphic Reading of the Modern Tehran Metropolis through Mindscape Constructing Factors, the Case of Tehran Shuttle Taxi Drivers**

Nazila Rashid Pour

PhD Candidate, Faculty of Architecture and Urbanism, Qazvin Islamic Azad University

Seyed Mohsen Habibi, PhD

Professor Emeritus, Faculty of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran

Manouchehr Tabibian, PhD (corresponding author)

Professor Emeritus, Faculty of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran

The metropolis, modernity, and the capitalist economy are inseparable, and it is not possible to investigate each one in isolation. Dominated by of modernity, power and hegemony of capitalism, the metropolis has turned into an encoded space of content and meaning, with its own mysterious language, continuous influences the residents' self-awareness. It produces a metropolitan typology in accordance with the existing urgency and complexity, and generated increasingly alienated people. It has caused a discontinuous and disintegrated experience of time and space that disrupts processes of forming image and memory of the city. From the left's point of view, knowing the reality of cities depends on deciphering these meaningful images that require cognitive methods beyond positivist methods. To understand the metropolis is – to some extent – to understand our present age. Wherever the hieroglyphics of any spatial image are deciphered, there the basis of social reality presents itself. What we see on the surface, so any Marxist-inspired cultural theorist would argue, is the product of deeper underlying forces, and in order to understand these forces we need to interpret the surface level. From this point of view, reading what has never been written by re-reading the experience and understanding the image of the city can be useful in showing the neglected realities caused by the metropolis, modernity and capitalist economy. Assuming the city as a text for explaining the hieroglyphs of the modern metropolis of Tehran in representing the mysterious language of the city, quantitative and qualitative content analysis method was used in this research. For a concrete study of informal story and understanding the received

messages through taxi drivers' mindscape, and image readout was carried out. Analysing the informal stories shows that there is not any integrated policy for a purposeful representation of Tehran or there is no right tool for this purpose. According to the findings, we can claim that the language of the modern Tehran metropolis under the effect of Modernity paradigm and Capitalism is so discontinuous and disintegrated that it deteriorates any formation of memory.

Keywords: Hieroglyphics, Modern metropolis, Reading, Mindscape.